

نویسنده: محمد حسن سوادین «M.Hasan Sweidan» .
منبع و تاریخ نشر: کریدل «2024-10-10» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

مقاومت در برابر پراکندگی: نبرد برای متحد کردن جبهه‌های غرب آسیا

Resisting fragmentation: The battle to unify West Asia's fronts

محور مقاومت در تلاش برای حفظ وحدت در سراسر جبهه‌های نبرد غرب آسیا و اثبات قدرت خود در برابر ارتش اسرائیلی مورد حمایت ایالات متحده است و راه را برای تغییر منطقه‌ای که می‌تواند آینده‌اش را با زتعریف کند، هموار می‌کند، با بحرانی‌ترین آزمایش خود مواجه است.

The Axis of Resistance faces its most critical test as it strives to maintain unity across West Asia's battlefronts and prove its strength against the US-backed Israeli military, paving the way for a regional shift that could redefine its future.



(Photo Credit: The Cradle)

لارنس فریدمن در اثر مهم خود «استراتژی: یک تاریخ» به بررسی نقش حیاتی اتحادها در جنگ می پردازد و می گوید:

در زمان جنگ، قدرت یک اتحاد اغلب مورد آزمایش قرار می گیرد و دوام آن ممکن است برای بقای یک ملت بسیار مهم باشد. اتحادها نه تنها حمایت مادی، بلکه حمایت دیپلماتیک، اطلاعات مشترک و توانایی هماهنگ کردن استراتژیها را نیز فراهم می کنند که همگی شانس پیروزی را افزایش می دهند. شکست در حفظ اتحادها می تواند منجر به انزوا و ضعف شود و تلاش کلی جنگ را تضعیف کند.

این مشاهدات منعکس کننده رویدادهایی است که در غرب آسیا به عنوان آزمایش مستقیم دوام و استحکام محور مقاومت رخ می دهد.

واحد مربع

هفتم اکتبر نه تنها اولین سالگرد عملیات سیل الاقصی بود، بلکه نقطه عطفی بود که در آن نظریه «وحدت جبهه ها» از یک ایده انتزاعی به یک استراتژی ملموس تبدیل شد. در طول سال گذشته، این مفهوم از طریق "جبهه های پشتیبان" شکل گرفته است و درگیری های مداوم به عنوان یک زمینه آزمایش برای اثربخشی آن عمل می کند.

با سلسله ترورهای پرمخاطب در سراسر طیف محور مقاومت، ائتلاف با چالش شدید اثبات انسجام و توانایی خود برای عملیات در چندین جبهه جنگ در یک تلاش هماهنگ روبرو شده است و اتحاد این عرصه ها برای گسترده تر شدن آن با در نظر داشت چشم انداز منطقه ای بسیار مهم است.

اتحاد جبهه ها

از 8 اکتبر (2023)، زمانی که حزب الله لبنان عملیات حمایت از غزه را آغاز کرد. محور مقاومت به دنبال این بود که پیام روشنی را منتقل کند: هر حمله ای در یک جبهه، حمله به همه جبهه ها است. این اصل، که در وحدت جبهه ها مرکزیت دارد، به این معناست که دولت اشغالگر نمی تواند هر میدان جنگ را به تنهایی اداره کند. استراتژی اسرائیل برای تکه تکه کردن درگیری و تلقی هر جبهه به عنوان یک نهاد مجزا، زمانی که محور پاسخ های خود را در چندین صحنه جنگ هماهنگ می کند، بی اثر می شود.

محور مقاومت در برابر یکی از قدرتمندترین نهادهای نظامی در جهان است که توسط یک ابرقدرت حمایت می شود. اسرائیل با قابلیت های فنی و نظامی پیشرفته اش، توسط ائتلافی از کشورهای قدرتمند غربی، از جمله کشورهای مجهز به سلاح هسته ای که مدت ها ست بر نظم سیاسی جهان تسلط داشته اند، حمایت می شود.

با توجه به این قدرت نظامی عظیم، محور مقاومت می داند که باید با اتحادی پاسخ دهد که اگرچه در اجزای آن متفاوت است، اما در مجموع می تواند تهدیدی جدی باشد. تنها از طریق یک جبهه متحد، محور می تواند امیدوار باشد که به طور مؤثر چنین دشمن مهیبی را به چالش بکشد.

وحدت جبهه ها منعکس کننده چشم انداز منطقه ای وسیع تری است که مقاومت سال ها ست آن را ترویج می کند. این مفهوم فقط یک استراتژی نظامی نیست. این تجسم یک پروژه جامع مقاومت منطقه ای است.

هدف این چشم انداز دستیابی به بازدارندگی و مقابله با نفوذ تل آویو و متحدانش در غرب و غرب آسیا است. سال گذشته نشان داد که جناح های مختلف مقاومت با هماهنگی تلاش هایشان چه توانایی هایی دارند.

هر یک از احزاب در اتحاد، نقاط قوت منحصر به فردی را به همراه دارند و هر یک بر اساس توانایی های خود، وظایف خاصی را بر عهده دارند. آنها با هم یک نیروی متحد را با هدف مشترک تغییر موازنه قدرت در منطقه تشکیل می دهند.

زمان بحران برای محور مقاومت

علیرغم مقاومتی که محور در سال گذشته نشان داد، این جنبش اکنون با آزمون مهمی روبرو است. اگر اسرائیل موفق به جداسازی جبهه های مختلف شود - توقف جبهه های پشتیبانی و ادامه عملیات خود در غزه - امکان پذیری دیدگاه منطقه ای مقاومت را زیر سؤال می برد.

در چنین سناریویی، مقاومت محور آسیب پذیر می‌شود و استراتژی جبهه‌های متحد آن در برابر ما نورهای تاکتیکی اسرائیل ناکافی است - مانند حمله تروریستی پیجر که قبل از بمباران بیروت و ترور رهبر حزب‌الله، حسن نصرالله انجام شد.

با این حال، مقاومت می‌داند که موفقیت آن در گرو اثبات دوام وحدت جبهه‌ها است. پیروزی در مناقشه کنونی به وادار کردن اسرائیل به کنار گذاشتن استراتژی تکه تکه شدن و پذیرش این موضوع بستگی دارد که نمی‌تواند میدان‌های مختلف جنگ را از هم جدا کند.

اتحاد باید دولت اشغالگر را به نقطه ناامیدی برساند، جایی که متوجه شود هزینه تلاش برای تقسیم جبهه‌ها بسیار زیاد است. این چالش، به ویژه در لبنان، در جنگ جاری تعیین کننده خواهد بود.

نقش اتحاد آمریکا و اسرائیل

در یک کنفرانس مطبوعاتی در 1 اکتبر، سخنگوی کاخ سفید، کارین ژان پیر، با بیان موضع واشنگتن، اظهار داشت:

ما می‌دانیم که اسرائیلی‌ها عملیات محدودی را برای از بین بردن زیرساخت‌های حزب‌الله انجام خواهند داد که برای تهدید شهروندان اسرائیلی استفاده می‌شود. و این در راستای حق اسرائیل برای دفاع از خود و - و شهروندانش و بازگرداندن امن - غیرنظامیان آنها به خانه‌هایشان است. این احساس توسط وزارت خارجه ایالات متحده نیز تکرار شد و همچنین حمایت خود را از هدف قرار دادن حزب‌الله توسط اسرائیل اعلام کرد و نیاز به "تضعیف" توانایی‌های جنبش مقاومت را برای امنیت اسرائیل ضروری توصیف کرد.

ایالات متحده کاملاً آگاه است که جنگ کنونی صرفاً یک درگیری محلی نیست، بلکه یک لحظه محوری برای یک نظم جدید منطقه‌ای است. اگر ایران و متحدانش در محور از نظر سیاسی پیروز شوند، یک استراتژی منطقه‌ای را تأیید می‌کند که مستقیماً اهداف غرب در غرب آسیا را به چالش می‌کشد.

چنین تغییری پیامدهای استراتژیک عمیقی خواهد داشت، زیرا توازن قدرت را در منطقه تغییر می‌دهد و رقبای جهانی واشنگتن، به‌ویژه روسیه و چین را به مشارکت بیشتر دعوت می‌کند. پیروزی محور مقاومت در سطح جهانی به منزله پیروزی نیروهای ضد غربی تلقی می‌شود که به طور قابل توجهی از نفوذ ایالات متحده در منطقه می‌کاهد.

همانطور که جکی هاگی در روزنامه اسرائیلی **Maariv** اشاره کرد:

اگر ارتش اسرائیل در این مأموریت تنها بود، ایرانی‌ها موضوع دیگری داشتند، اما آمریکا دائماً در کنار آن ایستاده است و مسئولیت تأمین مالی جنگ، تداوم تأمین مهمات و حمایت دیپلماتیک را بر عهده دارد. در عمل، این یک نبرد اسرائیلی-آمریکایی یا آمریکایی-اسرائیلی است و ارتش اسرائیل پیمانکار اجرایی است، اما واشنگتن نقش محوری دارد.

مسیر پیروزی آنچه که مقاومت باید انجام دهد

برای اینکه محور مقاومت پیروزی را تضمین کند و اثربخشی استراتژی منطقه‌ای خود را ثابت کند، باید اطمینان حاصل کند که اسرائیل نمی‌تواند جبهه‌های مختلف درگیری را تقسیم کند. تشدید گسترده‌تر منطقه‌ای تل‌آویو، که شامل تجاوزات این کشور به یمن و لبنان و همچنین آمادگی‌های آن برای اقدام احتمالی علیه ایران می‌شود، تنها بر ضرورت حفظ یک مقاومت واحد تأکید می‌کند.

محور باید دیدگاه خود را برای وحدت جبهه‌ها متبلور کند و تضمین کند که هیچ جبهه‌ای منزوی باقی نمی‌ماند. پیروزی در لبنان و ادامه حضور پس از جنگ در تحقق پروژه منطقه‌ای بلندمدت آن برای آزادسازی منطقه از اشغال، بسیار مهم خواهد بود.

رویارویی مداوم بین مقاومت و اسرائیل تاکنون چندین دستاورد مهم را به همراه داشته است. اول، در رویارویی‌های زمینی، مقاومت با خنثی کردن حملات و انهدام تانک‌های مرکاوا متعدد، هزینه عملیات اسرائیل را با موفقیت افزایش داده است.

این، همراه با تلفات سنگین وارده به سربازان اسرائیلی، راهبرد فرسایشی مقاومت را نشان می‌دهد. در حالی که اسرائیل ممکن است به دستاوردهای تاکتیکی و سرزمینی محدودی دست یابد، مقاومت بر اطمینان از پرهزینه بودن و ناپایدار بودن این پیشرفت‌ها متمرکز است و توانایی اسرائیل برای حفظ کنترل را تضعیف می‌کند.

علاوه بر این، مقاومت صدها موشک به سمت خاک اسرائیل پرتاب کرده است که شهرهای بزرگی مانند حیفا تقریباً روزانه زیر آتش می‌گیرند. این حملات توانایی مقاومت برای وارد کردن ضربات عمیق در داخل اسرائیل را نشان داده است و توانایی آن را برای درگیری طولانی مدت و پایدار نشان می‌دهد. این گسترش برد هدف‌گیری فشار بیشتری بر اشغال زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی وارد کرده است.

علاوه بر این، مقاومت باعث "آوارگی" گسترده شهرک‌نشینان اسرائیلی در شمال شده است. علیرغم هدف اسرائیل از بازگرداندن ثبات در شمال فلسطین اشغالی، واقعیت در صحنه برعکس بوده است. با فرار بیشتر شهرک‌نشینان، دولت اسرائیل به طور فزاینده‌ای خود را تحت فشار می‌بیند و در تلاش برای دستیابی به اهداف اعلام شده خود است.

انضباط و رهبری در زمان آزمون

علیرغم فشارهای شدید نظامی و دیپلماتیک، مقاومت توانسته هماهنگی و انضباط را در صفوف خود حفظ کند، حتی در مواجهه با چالش‌های مهمی مانند ترور هدفمند رهبران کلیدی.

این حملات منجر به آشفتگی‌ای نشده است که اسرائیل ممکن است به آن امیدوار باشد. در عوض، مقاومت با سطوح بالایی از هماهنگی به کار خود ادامه می‌دهد و توانایی خود را برای بازگرداندن رهبری و حفظ اثربخشی عملیاتی نشان می‌دهد.

احساس امنیت کلی در اسرائیل نیز متزلزل شده است. بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از جمعیت اسرائیل دیگر احساس امنیت نمی‌کنند و حتی بسیاری به دلیل شرایط سیاسی و امنیتی به مهاجرت فکر می‌کنند.

این فرسایش اعتماد داخلی دستاورد مهمی برای مقاومت است، زیرا اسرائیل را از درون بی‌ثبات‌تر می‌کند - گواهی بر جنگ شناختی تحمیل شده بر دولت اشغالگر.

شاید حیاتی‌ترین دستاورد مقاومت، توانایی آن در حفظ عملیات علیرغم شکست‌های بزرگ بوده است. ادامه مبارزه در مواجهه با چنین آزمائش‌های گویای مقاومت و قاطعیت آن است. غلبه بر این موانع برای موفقیت نهایی آن تعیین‌کننده خواهد بود.

این دستاوردها که تحت فشار شدید آشکار می‌شوند، نمونه‌ای از توانایی محور مقاومت برای انطباق، استقامت و پیشبرد چشم‌انداز منطقه‌ای خود است. این درگیری فراتر از یک مبارزه نظامی ساده تکامل یافته و به رقابتی محوری بر سر آینده غرب آسیا تبدیل شده است.

.....
با تقدیم احترامات «2024-10-24»

.....